

پرستوها در راهند ...

(بررسی نخستین رویکردها و گرایش‌های
زبان‌در ادبیات فارسی و عربی)

مؤلف : فائزه احمدی

سال ۱۳۹۰

سرشناسه : احمدی، فائزه، ۱۳۵۶-

عنوان و نام پدیدآور : پرستوها در راهند: بررسی نخستین گرایش‌های زنانه در ادبیات فارسی و عربی / مؤلف فائزه احمدی.

مشخصات نشر : شهریار: فائزه احمدی، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری ۳۸۶ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۷۵۴۷-۸ - ۷۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت کتابخانه: ص. ۳۶۵ - ۳۷۵.

موضوع: ادبیات فارسی - نویسندگان زن - تاریخ و نقد

موضوع: ادبیات فارسی - نویسندگان زن - تاریخ و نقد

موضوع: زنان نویسنده عرب

موضوع: ادبیات فارسی - تاریخ و نقد

موضوع: ادبیات عربی - تاریخ و نقد

رده بندی کنگره : ۱۳۹۰: ۴پ ۱۳الف / ۳۴۱۴pir

رده بندی دیویی : ۸۷۰/۹۹۲۸۷

شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۶۷۲۵۰

با همکاری انجمن علمی - آموزشی زبان و ادبیات عربی

ایمیل: f.ahmadi1356@yahoo.com تلفن: ۰۹۳۶۷۳۴۳۷۷۰

نام کتاب: پرستوها در راهند ... (بررسی نخستین رویکردها و گرایش‌های زنانه

در ادبیات فارسی و عربی)

نویسنده: فائزه احمدی

طراح جلد: زینب احمدی

نوبت چاپ: اول، مهر ۱۳۹۰

شماره گان: ۳۰۰۰ جلد

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

حق چاپ صرفاً توسط مؤلف محفوظ است.

فهرست

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱۳-۲۰	فصل اول: کلیات
۱۵	گفتار اول: بیان مسئله
۱۶	گفتار دوم: اهمیت تحقیق
۱۷	گفتار سوم: سوال مورد تحقیق
۱۸	گفتار چهارم: تعریف واژگان
۱۸	گفتار پنجم: محدودیت‌ها
۱۹	گفتار ششم: پیشینه‌ی تحقیق
۱۹	گفتار هفتم: روش کار
۲۱-۴۷	فصل دوم: تحلیل داده‌ها
۲۳	گفتار اول: گذری بر رنسانس در اروپا
۳۱	گفتار دوم: انقلاب صنعتی و تأثیر آن بر ساختار زندگی اروپا
۳۶	گفتار سوم: بورژوازی
۴۰	گفتار چهارم: دموکراسی
۴۲	گفتار پنجم: جایگاه رمان در عصر انقلاب صنعتی
۴۸-۹۰	فصل سوم: انقلاب مشروطه
۵۰	گفتار اول: علل بروز انقلاب مشروطه در ایران
۵۸	گفتار دوم: شعر در عصر مشروطه
۸۲	گفتار سوم: انواع رمان‌های اولیه (تاریخی - اجتماعی - پاورقی)
۹۱-۱۴۹	فصل چهارم زن و گرایش‌های زنانه

- ۹۳ گفتار اول: فمینیسم (مکتب احقاق و حقوق زن)
- ۱۰۶ گفتار دوم: مروری بر تاریخ فمینیسم و علل پیدایش آن
- ۱۱۹ گفتار سوم: گرایشهای زنانه در ایران
- ۱۳۷ گفتار چهارم: گرایشهای زنانه در جهان عرب
- ۲۰۱-۱۵۰ فصل پنجم: وضعیت رمان‌نویسان زن ایرانی
- ۱۵۲ گفتار اول: ایران میان دو انقلاب
- ۱۷۱ گفتار دوم: نخستین زنان رمان‌نویس ایرانی
- گفتار سوم: مهم‌ترین درون‌مایه‌های رمان‌های نویسندگان زن ایرانی ۱۷۶
- گفتار چهارم: وضعیت کلی رمان‌نویسان زن ایرانی پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-ه‌ش) ۱۸۰
- گفتار پنجم: گرایش‌های جدید زنانه در رمان‌های پس از انقلاب ۱۸۲
- گفتار ششم: مشهورترین رمان‌نویسان زن ایرانی ۱۸۹
- گفتار هفتم: شاعران زن ایرانی میان دو انقلاب ۱۹۴
- گفتار هشتم: مهم‌ترین درون‌مایه‌های شعر زنان شاعر معاصر ایران ۱۹۸
- ۲۰۲-۲۶۲ فصل ششم: مروری بر ادبیات معاصر عرب
- گفتار اول: زنان روشنفکر عرب (نوال السعداوی، می زیاده، و...) ۲۰۴
- گفتار دوم: نخستین رمان‌نویسان زن عرب ۲۱۱
- گفتار سوم: مهم‌ترین درون‌مایه‌های رمان‌های نویسندگان زن عرب ۲۱۷
- گفتار چهارم: تراژدی فلسطین و تأثیر آن در ادبیات معاصر عرب ۲۲۲
- گفتار پنجم: مشهورترین رمان‌نویسان زن فلسطینی ۲۴۰
- گفتار ششم: شعر معاصر عرب ۲۴۱
- گفتار هفتم: شاعران بزرگ زن عرب در عصر جدید ۲۴۹
- گفتار هشتم: مهم‌ترین درون‌مایه‌های شعر زنان معاصر عرب ۲۵۵

۲۶۲-۳۵۵	فصل هفتم: بررسی تطبیقی گرایش‌های زنانه ایران و عرب در ادبیات معاصر
۲۶۴	گفتار اول: آزادی زن
۲۸۳	گفتار دوم: مبارزه با تبعیض
۲۹۷	گفتار سوم: نقد جامعه‌ی مردسالار
۳۰۹	گفتار چهارم: نقد خشونت و جنگ
۳۲۹	گفتار پنجم: ارائه‌ی الگوهای رفتاری
۳۳۶	گفتار ششم: آرمانگرایی و مداخله در امور سیاسی
۳۴۸	گفتار هفتم: کوشش در رفع سوء تفاهم‌ها در باب زن و مرد
۳۵۶	فصل هشتم: نتیجه‌گیری
۳۶۵	فهرست منابع و مآخذ
۳۷۶	چکیده‌ی انگلیسی

مقدمه

بی‌شک مسئله‌ی زنان و جدی گرفتن حضور آنان به منزله‌ی پاره‌ای از وجود آدمی در بسیاری از موارد می‌تواند راهگشای مشکلات فراوان کنونی بشر باشد. با شروع انقلاب صنعتی تحولات هم آغاز می‌شود. تحولانی که در شیوه و ابزار روی می‌دهد این امکان را برای زنان به وجود می‌آورد که بیرون از خانه به مثابه‌ی فردی مجزا، با هویت فردی خویش کار کنند.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای شرکت زنان در شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری که به‌طور عمده در نتیجه‌ی فعالیت خلاقانه‌ی مرد شکل گرفته و تکامل یافته است، این است که آنان به شکلی فزاینده مجبور می‌شوند که وجه یا خودمردانه‌ی خویش را به بهای وجه یا خود زنانه‌شان رشد دهند. آنها وارد جهانی مرد ساخته می‌شوند که درست است که در حضور آنان شکل گرفته است، اما هیچ مشارکت مستقیمی در آفرینش آن نداشته‌اند. بنابراین نیاز دارند که خود را با شیوه‌ی فعالیتی که برای آنان جدید است سازگار کنند. هر فعالیتی، به عمل گذاشتن نظام فکری مربوط به آن است. شرکت فعال در روابط تولیدی جدید، نیازمند اتخاذ نظام فکری آن است.

بنابراین، زنان با شرکت در شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری دستخوش تحولاتی روانی گسترده می‌شوند که از سازگار کردن خود با جهان بینی‌ای سرچشمه می‌گیرد که به پیدایش «ماشینی» منجر شده است که اکنون آنها فقط در به گردش انداختن چرخهایش شرکت دارند. در نتیجه‌ی این فعالیت، آنان ناگزیر و به تدریج، جهان را به مانند مردان می‌بینند و ادراک می‌کنند.

حال هر چه زنان بیشتر به همان فعالیت‌هایی بپردازند که مردان انجام می‌دهند و هر چه بیشتر مانند آنان کار کنند، بیشتر مجبور می‌شوند جهان‌بینی، ادراکات،

ارزش‌ها و معیارهای مردانه را اتخاذ کنند و بیشتر با جهان بینی، نگرش‌ها و رفتارهای جنس خود بیگانه گردند. به تدریج آنچه از زنانگی‌شان باقی می‌ماند، به‌طور عمده تن جسمانی و توانایی زایش است.

مبارزه برای حقوق برابر از لحظه‌ای آغاز می‌شود که زنان دیدن و ادراک جهان هستی را به مانند مردان آغاز می‌کنند و هر چه بیشتر خود را با مردان مقایسه می‌کنند - و آن نیز با نگرشی کاملاً مردانه - بیشتر مسئله‌ی حقوق برایشان فوریت می‌یابد و هر چه توانایی‌های برابرشان را بیشتر تجربه می‌کنند، «برابری» بیشتر معنای «شناخت و همسانی» می‌یابد. زنان تا امروز اگر به اصطلاح خاموشی پیشه کردند، نه به این دلیل که ناامان، ناهوشیار و ناآگاه بودند، بلکه از این‌رو که جهان را متفاوت ادراک می‌کردند و ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهایی متفاوت داشتند. این چیزی است که باید جستجو و کشف دوباره‌اش را شروع کنیم تا طبیعت یکپارچه‌ی گم‌شده‌ی خود را از نو به دست آوریم.

نظام سرمایه‌داری، در حالی که از یک طرف هویت مستقل و جداگانه‌ای را به زنان بخشید، از سوی دیگر هویت غریزی و درونزادی طبیعی‌شان را از آنان بازستاند و پیامد آن چیزی جز شخصیت شکاف‌یافته‌ی زنان نبود.

حال اگر زن و مردی در کنار هم در جامعه روزگار می‌گذرانند دیگر جفتی نیستند که با یکدیگر برای سرنوشت نیک خانواده‌ای که خود تشکیل داده‌اند تلاش کنند، بلکه نقش افراد رقیب را در مقابل یکدیگر پذیرا شده‌اند. حال از آنجا که مسئولیت بقای انسان به‌طور عمده بر دوش زنان است، اگر هر وضعیتی این توانایی را تهدید کند آیا جز این نیست که گرایش‌های طبیعی زنان را مختل کرده است؟

رشد کیفیات مردانه باعث ایجاد تنش، کشاکش و تعارض درونی شدید در زنان می‌شود. آنان میان گرایش‌های طبیعی و کیفیات‌های اکتسابی، که به نوعی جامعه به آنان بخشیده است، از بین می‌روند. اگر نظام سرمایه‌داری از یک‌سو هویت شخصی به زنان می‌بخشد از هزار سوی دیگر، هویت و احساس زنانه‌ی آنان را خدشه‌دار می‌سازد.

جنش‌هایی زنان، مانند تمام پدیده‌های دیگر پیامدهای مثبت و منفی دارد. مهم‌ترین پیامد مثبت آن این است که تمامی برداشت‌های متعصبانه در مورد برتری مرد و پستی زن منسوخ شدند. در نتیجه‌ی این جنش، نخست به خود زنان و سپس به تمامی جهان ثابت شد که زنان هوش و قدرت‌های ذهنی برابری دارند و در واقع کمتر از مردان نیستند. و جنبه‌ی مهم منفی آن از بین رفتن زنانگی است که همراه با دیگر تعصبات اجتماعی، اقتصادی، دینی و فرهنگی، اکنون ستایش جنسیت را برای زنان دشوار ساخته است. آیا شخصیت خودشکاف‌یافته‌ی زنان با تن زنانه و ذهنی مردانه بهای این آگاهی سطحی نیست که ما یافته‌ایم؟

اشتباه بزرگ تاریخی مربوط به مسئله‌ی زن این است که ارزش‌گذاری‌ها، ادراکات و داوری‌های مردانه و در یک کلمه جهان‌بینی مردانه، جهان‌بینی انسانی تلقی شده است. زنان با مردان مقایسه شده و در مقام فرودست آنان ایستاده‌اند و هرگز به ذهن هیچ‌کس خطور نکرده است که شاید نگرش زنانه نسبت به هستی و انتظارات زنان از زندگی، متفاوت با مردان باشد. شاید به دلیل نقش زنان در هستی، نقش زاینده و نگهدارنده‌ی نژاد انسانی، دستیابی‌های مادی و موفقیت‌های سطحی به اندازه‌ی مردان برای آنان جذابیت نداشته است.

در این زمینه برای مثال می‌توان به دست آوردن حق رأی برای زنان را نام برد. ابتدا در سال ۱۸۴۸م. در امریکای شمالی به همهی زنان حق رأی اعطاء شد. در انگلستان در سال ۱۹۲۸م. و در ایران پس از انقلاب سفید شاه، زنان به حق رأی رسیدند. زنان مصری نیز با کوشش‌های فراوان این حق را در نیمه دوم قرن نوزدهم کسب کردند.

اما خاستگاه اصلی این نوشتار بیان اولین گرایش‌ها و احساسات زنانه در شعر و نثر است. شعر زنانه در معنی خاص از یونان باستان آغاز می‌شود، در اشعار سافو^۱ و بیلیس می‌توان اشعاری را یافت که کاملاً احساس زنانه‌ی شاعر را منعکس می‌کند:

اگر دل تو جولانگاه هوس ناپاک نیست
و اگر دهانت با دروغ‌زنی سروکاری ندارد
با دیدی پاک‌بین و بی‌گلگونی آزر
به من می‌توانی نزدیک شد.^۲

برای آنکه دل‌های مردان را به دام افکنم
سراپای خویش را عطرآگین خواهم کرد
دو پای زیبایم را در حوض نقره خواهم شست
و با گلاب «تارموس» و عبیر مصر خواهم آلود
بر بازوانم نعنای تازه خواهم افشرد

و مژگان بلندم را با سرمه‌ی نرم جزیره‌ی «کیوس» سیاه‌تر خواهم کرد.
کنیزک! تو نیز گیسوان مرا پریشان کن
و با دود کندر بیالای.^۳

۱. Sappho.

۲. السان، غاده، دریند کردن رنگین کمان، ترجمه عبدالحمن فرزاد، چشمه، چاپ چهارم، ۱۳۸۵، ص ۷.

۳. السان، غاده، همان، ص ۷.

در ایران زمین برای اولین بار بروز احساسات زنانه - همجنسی عاطفی و همفکری - در شعر فروغ فرخزاد دیده می‌شود. فروغ تصویر زندگی را از زوایای دید یک دختر و زن می‌بیند و کاملاً زنانه می‌سراید.

مهم‌ترین عامل شناخت شعر زنانه از شعر مردانه تفاوت در چگونگی نگرش و اندیشه است و این حالت در شعر فروغ کاملاً دیده می‌شود:

«دست‌هایم را در باغچه می‌کارم

سبز خواهم شد، می‌دانم، می‌دانم، می‌دانم

و پرستوها در گودی انگشتان جوهری‌ام

تخم خواهند گذاشت

گوشواری به دو گوشم می‌آویزم

از دو گیلای سرخ همزاد

و به ناخن‌هایم برگ گل کوکب می‌چسبانم»^۱

فروغ خشونت فرهنگی علیه زنان را کاملاً زنانه رد می‌کند. او هیچ‌گاه از احساسات ژرف زنانه‌ی خود دست نمی‌کشد. حتی کلماتی را که به کار می‌برد بار زنانه‌ای را به دوش می‌کشد:

«وقتی که اعتماد من از ریسمان سست عدالت آویزان بود

و در تمام شهر

قلب چراغ‌های مرا تکه‌تکه می‌کردند

وقتی که چشم‌های کودکانه‌ی عشق مرا

با دستمال تیره‌ی قانون می‌بستند

و از شقیقه‌های مضطرب آرزوی من

فواره‌های خون به بیرون می‌پاشید
 وقتی که زندگی من دیگر
 چیزی نبود، هیچ چیز به جز تیک تیک ساعت دیواری
 دریافتم، باید باید باید
 دیوانه وار دوست بدارم.^۱

در جهان عرب اما، تنها شاعر و نویسنده‌ای که زنانه می‌نویسد و زنانه می‌سراید خانم غاده السمان، شاعر سوری است. وی یکی از آگاه‌ترین زنان در جامعه عرب درباره مسائل خود زنان است. و با شجاعت و صبر در جامعه‌ای که لبریز از مردسالاری است، زنانه می‌نویسد و زنانه می‌سراید.

«غاده السمان غریزه‌ی زن عرب را از پشت دیوارهای ستبر و کهنه‌ی قرون، فریاد برمی‌آورد و اظهار وجود می‌کند. غریزه‌ای که به وجود حقیقی دست یافته، به باور خود نشسته است و برای نخستین بار صدای خویش را می‌شنود، صدایی که هرگز فرصت نداشت آن را از حنجره گذرانیده، بر لب بلغزاند و به آوا بدل کند تا بتواند بشنود و بشنواند.»^۲

غاده السمان به منزله‌ی یک زن شاعر، با هویت زنانه‌ی خویش، وجود خود و تمامی زنان عرب را فریاد می‌زند:

«من در جایگاه انکار ایستاده‌ام
 در برابر کاسه‌ریگ‌های دوردست
 میان «عدن» و «طنجه»

۱. فرخ‌زاد، فروغ، ایسان بیاوریم به آغاز فصل سرد، ص ۳۳۶.

۲. السمان، غاده، در بند کردن رنگین کمان، ترجمه‌ی دکتر عبدالحسین فرزاد، چشمه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۵ش.

و اعلام می‌کنم: «نه»

معشوق در بیان و ذهن غادة السمان ویژگی‌های مردانه دارد. او نیز همانند فروغ رنگ مردانه به معشوق خویش می‌بخشد:

جدایی از صمیم دل

اینکه با تو باشم و با من باشی

و با هم نباشیم

جدایی همین است

اینکه یک خانه ما را دربر گیرد

اما یک ستاره ما را در خود جای ندهد

جدایی همین است

اینکه قلم اتافی باشد

خاموش‌کننده‌ی صداها با دیوارهای مضاعف

و تو آن را به چشم نبینی

جدایی همین است

اینکه در درون جست

تو را جستجو کنم

و آوایت را در درون سخنان

جستجو کنم

و فرمان نبضت را در میان دست

جستجو کنم

جدایی همین است.^۱

نویسندگان زن نیز در هر دو جامعه‌ی ایران و عرب روزگاری احساسات زنانه‌ی خویش را بروز دارند. بی‌شک سیمین دانشور جزء اولین زنانی است که احساسات و گرایش‌های زنانه‌ی خویش را در آثارش منعکس کرد. وی در داستان «آتش خاموش» برای اولین بار زن را در ظاهر کاملاً زنانه‌اش مجسم می‌کند و در رمان سووشون شخصیت زری را نمود کامل زن ایرانی نشان می‌دهد. در این داستان زری از منظر کاملاً زنانه به زندگی‌اش می‌نگرد و در مقابل شوهرش یوسف که از جانب مأموران اعلام خطر می‌کند می‌ایستد و از زنانی سخن می‌گوید که در نبود شوهر بار مسئولیت زندگی بر دوش آنهاست. «حتی زری در ضمیر خود به این نتیجه می‌رسد که مردان نمی‌توانند نبود خود و ضربه‌ای را که از این راه به خانواده می‌خورد، درک کنند و در جمله‌ای می‌گوید: ای کاش آنها حال زنان را می‌دانستند.»^۱

در نثر عرب همچنان خانم غادة السمان پیشتاز است در کنار او زنانی چون سلمیٰ خضرا الجیوسی، میرال طحاوی و سحر خلیفه نیز فعالیت دارند.

«غادة السمان با بینشی عمیق و آگاهی درست از جهان عرب و مسائل آن به‌ویژه آنچه بر زنان این سرزمین گسترده می‌گذرد، با ما سخن می‌گوید. بیانش همانند نویسنده‌ای است که از بیرون به مسائل نگاه می‌کند، بلکه او خود از درون زخم کهنه‌ی عربیت سخن می‌گوید چونان زخمی زنده و پرخون که هرگز خشک نمی‌شود و نمی‌بندد.»^۲

همراه با او، میرال طحاوی از نویسندگان زن و از دیار مصر است. او یکی از زنان روشنفکر و متعهد عرب است و رمان‌هایش به بیشتر زبان‌های اروپایی ترجمه شده است. وی بسیار شجاع است و در داستان‌هایش به مسائل مربوط به زنان عرب می‌پردازد.

۱. گلشیری، هوشنگ، جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور، نیلوفر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۴۷.

۲. فرزاد، عبدالحسین، مروری بر داستان معاصر عرب، مجله سمرقند، ۱۳۸۶ ش، ۱۷ ص، ۴۳.

خانم سحر خلیفه، فلسطینی است و در کنار مبارزاتی که برای رهایی فلسطین انجام می‌دهد به جایگاه زن نیز توجه دارد. وی در داستان‌هایش به موضوعات کاملاً زنانه می‌نگرد و معتقد است زنان فلسطینی در کنار مبارزه برای وطن و پیروزی، به راه‌هایی برای از بین بردن مردسالاری نیز باید بیاندیشند.

www.ketab.ir